



باتوجه به اجرای برنامه آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی و گرانی بنزین، اینک موضوع محاسبه معیشت خانوارهای کارگری با موضوع سهم دستمزد در تولید، گره خورده و کارفرمایان بیش از گذشته بر این مسئله مانور می‌دهند و اصرار می‌ورزند. دولت در چارچوب سیاست‌های کلی نظام و در پیروی از اقتصاد مقاومتی ولی فقیه، همواره در مقام حامی اصلی کارفرمایان در شورای عالی کار اقدام کرده است. امسال هم ادامه در صفحه ۳

## سهم دستمزد در تولید چقدر است؟!

یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در "شورای عالی کار" هنگام تعیین حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار، تعیین سهم "دستمزد" در تولید است. کارفرمایان، در کنف حمایت مستقیم دولت، در تمامی جلسه‌های شورای عالی کار، به‌دروغ، بر سهم بالای دستمزد در قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات عمومی پافشاری می‌کنند. کارفرمایان همواره مدعی بوده و هستند که باتوجه به سهم بالای دستمزد در تولید کالاها، امکان افزایش دستمزد عادلانه به میزانی که زحمتکشان خواستار آن‌اند، وجود ندارد.

## نامه ضمیمه کارگری

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۹، ۱۴ بهمن ماه ۱۳۹۸

## کارزار سندیکای کارگران صنایع فلزی آلمان بر ضد سیاست‌های اقتصادی اتحادیه اروپا و دولت آلمان!

کارگران آلمان: در برابر یورش سرمایه‌داری می‌ایستیم، ۳۰ ساعت کار در هفته با دستمزد کامل! سندیکای فلزکاران نسبت به اخراج، انتقال، تعطیلی، و سیاست‌های ریاضتی در کارخانه‌های "بوش"، "دایملر"، "ماله"، "کنتی‌نتال"، "و.ام.اف." و دیگر کارخانه‌ها واکنش نشان داد و اواخر ماه نوامبر سال ۲۰۱۹ (آذرماه ۹۸) در میدان کاخ شهر اشتوتگارت به سازماندهی و تجمع اعتراضی اقدام کرد. بنا به گفته سندیکای فلزکاران، ۱۵ هزار کارگر از مناطق مختلف در این گردهمایی شرکت کردند.

حدود ۱۶۰ شرکت خودروسازی و تأمین‌کننده قطعات خودرو در شهر "بادن"، به‌منظور "تعدیل" نیروی کار، یعنی اخراج کارگران، به‌طور جدی درحال برنامه‌ریزی هستند. از همه مهم‌تر، برنامه‌ریزی تبدیل بازار کار به دیجیتالیزیرینگ (خودکار شدن) و برقی کردن خودروها است که در آغاز کار خود قرار دارد. تحول و رشد فناوری، بهانه و دستاویز سرمایه‌داران در راستای افزایش سود و تحمیل شرایط سخت‌تر به کارگران شده است.

گروه کارفرمایان "صنایع فلز جنوب غربی آلمان" اعتراض کارگران را با واکنشی ترش‌روانه مورد انتقاد قرار می‌دهد. "اشتفان وولف"، رئیس گروه کارفرمایان، پیش از تجمع اعتراضی کارگران گفته بود: "اعتراض به این شکل ضربه‌ای است به شرکای اجتماعی و شروعاتی و شروعی بد برای مذاکره است که در رابطه با افزایش دستمزد در پیش‌رو داریم."

بله، این ضربه‌ای بود "به شرکای اجتماعی" و باید هم این‌چنین می‌بود. فضا و روحیه مبارزاتی، محتوای بسیاری از پلاکاردها و شعارهای کارگران کارخانه‌ها و بخشی از سخنرانی‌ها و بیان‌کننده روشن اعتراض ادامه در صفحه ۳

## سخنی درباره ضرورت تلفیق مبارزه سیاسی - صنفی در مرحله کنونی و راهکارهای آن



بحث و گفت‌وگو درباره نقش، جایگاه، میزان تأثیرگذاری، و اصولاً نسبت و رابطه جنبش کارگری- سندیکایی با تحول‌های پرشتاب سیاسی کشور، از بحث‌های پراهمیت عرصه مبارزه کارگری در مقطع زمانی کنونی در کشور است. در هفته‌های اخیر و در جریان تدارک رژیم برای انتخابات مجلس شورای اسلامی یازدهم- که در اسفندماه ۹۸ برگزار می‌شود- و حاشیه‌هایش، صحنه سیاسی میهن ما دستخوش فعل و انفعال‌های خاص و پراهمیتی است. سیر تحول‌ها در کشور و در سطح منطقه خاورمیانه و کلاً غرب آسیا و همراه با ناراضی‌ت ژرف توده‌های مردم ایران از استبداد حاکم و سیاست‌های معضل‌آفرینش در زمینه‌های اقتصاد، اجتماع، و فرهنگ، رژیم ولایت فقیه را بیش از هرزمان دیگری در تنگنا قرار داده است. ادامه پیدا کردن اعتراض‌های مردمی، ناراضی‌ت گسترده اجتماعی، و کم شدن فاصله زمانی خیزش‌های اعتراضی از یک سو و از سوی دیگر خشونت فراینده دیکتاتوری حاکم در رویارویی با توده‌ها، از ویژگی‌های این مرحله حساس در صحنه سیاسی به‌شدت سیال میهن ما است. سیر مبارزه طبقاتی حاد و کشش‌وواکنش‌های پر قدرت اجتماعی‌ای که در کشور جریان دارد این پرسش کلیدی را در برابر فعالان سیاسی و سندیکایی و همه مبارزان راستین جنبش کارگری می‌گذارد که: نسبت و سطح ارتباط و اتصال تحول‌های صحنه سیاسی کشور با مبارزات جنبش کارگری- خصوصاً جنبش اعتراضی کماکان پراکنده زحمتکشان در سراسر کشور- در چه حدی است؟ به‌علاوه، میزان تأثیر متقابل ناراضی‌ت‌ها و اعتراض‌های مردم و صحنه سیاسی سیال با پیکار جنبش کارگری چقدر بوده و هست و چگونه و از چه راهی به تأثیرگذاری متقابل‌شان بر هم و ایجاد پیوندشان با یکدیگر می‌توان یاری رساند؟ البته چنین بحث‌هایی در فضای کنونی میهن ما نشانی دیگر از مسیر رو به‌رشد جنبش ضد دیکتاتوری به‌صورت عام و جنبش کارگری به‌صورت خاص است. به‌هرروی، این بحث‌ها، که از آن جمله‌اند: ضروری بودن احیای حقوق سندیکایی، بازسازی توان جنبش کارگری و سندیکایی، و بالا بردن سطح سازماندهی و همبستگی در این خواست‌ها که همگی کلیدی و پراهمیت‌اند، هم‌اکنون جریان دارند. می‌توان و باید امیدوار بود که نیروهای راستین مدافع منافع طبقه کارگر ضمن تلاش‌شان در راه بازسازی جنبش کارگری و بالا بردن نقش آن در عرصه جنبش همگانی ضد

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

## ادامه سخنی درباره ضرورت تلفیق مبارزه ...

دیکتاتوری از درون بحث‌هایی که در سطرهای بالا به آن‌ها اشاره شد، فصل مشترک‌هایی به‌منظور همکاری و اتحاد عمل طبقه‌ها و لایه‌های اجتماعی گوناگون را پیدا کرده و بیرون کشیده و سلوچه برنامه‌شان در عمل اجتماعی، مبارزه سیاسی، و فعالیت‌سنديکایی در مسیر گذار به مرحله ملی و دمکراتیک قرار دهند.

در ورود به بحث مورد اشاره در آغاز مقاله، به‌جاست بر این نکته تأکید ورزیم که، مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما از رخدادهای و تحولاتی چندوجهی تاریخ معاصر ایران و به‌ویژه در چهار دهه گذشته، هرگز جدا نبوده و همواره در دل این تحولات گسترش یافته و خود نیز بر هر تحولی - به‌میزان توانش در هر مقطع معین - اثر گذاشته است.

ما بارها تأکید کرده‌ایم که مبارزه کارگران و زحمتکشان میهن ما و مسیر شکل‌گیری، قوام، و تکامل جنبش سنديکایی در امتداد تحول‌های سیاسی و با آن‌ها درآمیخته بوده است. زمانی که از مبارزه جنبش کارگری و فعالیت‌های سنديکایی سخن می‌گوییم، آن‌ها را در بستر یا در بطن تحول‌های سیاسی - اجتماعی و همبسته با آن‌ها در نظر می‌گیریم. دفاع از حقوق صنفی - سنديکایی زحمتکشان و تلاش برای احیای آن را در حکم اولویت‌های کنونی حرکت‌های کارگری و سنديکایی در این مرحله حساس است، و پیوندی منطقی با جنبش اعتراضی مردم بر ضد استبداد و رژیم ولایت فقیه و همچنین بر ضد تحریم‌ها، تهدیدها، و مداخله‌های امپریالیسم داشته، دارد، و خواهد داشت. تلاش شکل‌های زرد حکومتی و نیروهای جبهه سرمایه و استبداد که می‌کوشند مبارزه سنديکایی و صنفی را جدای از تحول‌های سیاسی بدانند به‌هیچ‌روی از سر ناآگاهی نیست. این بخشی از سیاست راهبردی رژیم ولایت فقیه به‌منظور تحمیل وضعیت تدافعی و احساس خالفکاری به طبقه کارگر ایران است. فراموش نکنیم که افشای این سیاست و وظیفه فعالان سیاسی و سنديکایی اصیل و نه بدلی است. پس از سرکوب خونین خیزش مردمی آبان‌ماه ۹۸ و رخدادهایی مانند ترور شدن قاسم سلیمانی و ساقط کردن هواپیمای اکرانی با شلیک موشک سپاه، رژیم ولایت فقیه در هفته‌های اخیر در چهارچوب راهبرد حفظ بقای نظام به‌بازسازی قدرتش برای مقابله با مردم به‌تلاش دست زده و به‌منظور برون‌رفت از بحران، و به‌موازات آن، بازسازی امکان‌های امنیتی و سیاسی‌اش برنامه‌های اقتصادی‌ای معین نیز تدوین و آماده اجرا کرد. درحقیقت، برنامه‌های اقتصادی بر مبنای بر آزادسازی اقتصاد، جزو جدایی‌ناپذیر راهبرد رژیم ولایت فقیه در جهت حفظ نظام و برون‌رفت از بحران بوده و هست. معاون حقوقی حسن روحانی در گرماگرم بحران ناشی از سقوط هواپیمای اکرانی و رسوایی رژیم در این رابطه، با سرعت و دقت تأمل‌برانگیزی طرح "برون‌سپاری امور و مالکیت‌ها به بخش خصوصی" را به اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز، و پتروشیمی ایران ارائه کرد. خبرگزاری ایسنا، ۲۵ دی‌ماه، در این باره گزارش داد: "معاون حقوقی رئیس‌جمهور، لیا جنیدی، در چهاردهمین همایش سالانه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران با اشاره به تحریم‌های ظالمانه آمریکا تصریح کرد، این چالش برای ما اقطاع مضاعفی می‌آورد که کار را به بخش خصوصی بسپاریم، چراکه در فضای تحریمی با برون‌سپاری امور و مالکیت‌ها به بخش خصوصی، اقتصاد کشور در امان می‌ماند. ... باید دستگاه‌های دولتی در این زمینه فعال شوند تا حداکثر ممکن، امور به بخش خصوصی سپرده شود." هم‌زمان با این تصریح، اعلام شد که بنا به‌ماده‌ها و تبصره‌های بودجه سال ۹۹، خصوصی‌سازی بیشتری در راه است و سال آینده برنامه خصوصی‌سازی شتاب و ابعادی گسترده‌تر خواهد یافت. واگذاری واحدها و مؤسسه‌ها و کارخانه‌های بزرگ و استراتژیک به بخش خصوصی زیر عنوان "فروش دارایی‌های دولتی برای تأمین هزینه‌ها"، جزو راهکارهای دولت در چهارچوب اقتصاد مقاومتی ولی فقیه است. همچنین عملیات "بازار باز" نیز رسماً از سوی حسن روحانی رونمایی شد و به‌وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی به‌اجرا درآمد. عملیات "بازار باز" بخش مهمی از برنامه تعدیل ساختاری است. به‌این موارد باید حرکت معنادار بیت رهبری را نیز افزود. خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران، ۱ بهمن‌ماه ۹۸، گزارش داده بود که در همایش "هم‌اندیشی سالانه نهادهای ذیل دفتر رهبری"، محمدجواد ایزدپا، معاون نظارت و حسابرسی دفتر رهبری، اعلام داشت، نهادهای مالی و اقتصادی زیر نظر ولی فقیه وارد بورس می‌شوند. این رشته اقدام‌ها معنا و بار سیاسی‌ای معین داشته و حقوق و منافع زحمتکشان و به‌طورکلی توده‌های تهیدست جامعه را هدف قرار داده و بار بحران را بیش از گذشته بر دوش آنان خواهد انداخت. نکته پراهمیت اینجاست که، این‌گونه برنامه‌های اقتصادی ابزاری است برای تحکیم و گسترش پیوند رژیم ولایت فقیه با سرمایه جهانی

به‌قصد حفظ نظام و برون‌رفت از بحران. پرسش اینجاست که، "آزادسازی مزد" زیر عنوان‌هایی گمراه‌کننده مانند: "مزد منطقه‌ای"، "مزد توافقی"، و مزد بر اساس سن، چه ارتباطی با تدوین و اجرای برنامه‌های پیش‌گفته در سطرهای بالا دارد؟ میان کاهش قدرت خرید طبقه کارگر و زحمتکشان با اجرای برنامه‌هایی مانند: برون‌سپاری امور و مالکیت‌ها به بخش خصوصی، وارد کردن نهادهای مالی زیر نظر ولی فقیه به بورس، و عملیات بازار باز، آیا رابطه‌ای وجود دارد؟ چرا زمانی که دیگر اجزای مهم برنامه خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی در صدر برنامه‌های دولت و رژیم قرار می‌گیرند و رسماً اعلام می‌شوند جلویگیری از فعالیت آزادانه سازمان‌های صنفی پایه طبقاتی کارگران یعنی سنديکاها شدت می‌گیرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها البته دشوار نیست. درحقیقت کاهش قدرت خرید کارگران و زحمتکشان، نابودی امنیت شغلی کارگران، رواج قراردادهای موقت، و ممانعت از فعالیت آزادانه سنديکایی، با اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم ارتباط مستقیم دارند، زیرا عملکرد اقتصادی - اجتماعی استبداد حاکم بر کشور با سودورزی کلان‌سرمایه‌داران و لایه‌های انگلی قره ارتباط مستقیم دارد! از این واقعیت این نتیجه به‌دست داده می‌شود که، تأمین حقوق و منافع صنفی - رفاهی زحمتکشان و دستیابی‌شان به خواست‌های فوری و حیاتی‌شان نظیر افزایش عادلانه دستمزدها و حق برخورداری از سازمان سنديکایی با مقابله و مبارزه با برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم و دولت‌ش ارتباط مستقیم داشته و دارد! تجربه نزدیک به چهار دهه اخیر مؤید این واقعیت است، واقعیتی که ما همواره و به‌درستی بر آن تأکید ورزیده‌ایم و تأکید می‌ورزیم!

از این‌روی، هنگام بحث و گفت‌وگو درباره نقش، جایگاه، میزان تأثیرگذاری، و اصولاً نسبت و رابطه جنبش کارگری - سنديکایی با تحول‌های پرشتاب سیاسی کشور، این نکته‌ها را برجسته و درجه ارتباط آن‌ها به‌یکدیگر و تأثیر متقابل‌شان بر همدیگر را می‌توان نشان داد. به‌علاوه، بر مبنای این ارزیابی، راهکارهای اصولی تلفیق مبارزه صنفی و سیاسی را بر بستر واقعیت‌ها و به‌طور عینی می‌توان استخراج کرده و در مبارزه روزمره به‌کار بست! در این زمینه جنبش کارگری و سنديکایی میهن ما از سنت‌های انقلابی‌ای دیرپای برخوردار است چنان‌که بر آن‌ها تکیه و بدان‌ها استناد می‌توان کرد. مبارزه با خصوصی‌سازی هم مبارزه‌ای است سیاسی که از سوی سیاست‌های رژیم و عملکرد استبداد حاکم را هدف قرار می‌دهد، و هم مبارزه‌ای است با ماهیت صنفی که از دیگر سو با رویارویی در برابر زورگویی کلان‌سرمایه‌داران و نابودی امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان از حقوق آنان دفاع می‌کند. این سوی دیگر مبارزه همچنین رابطه‌ای منطقی با مسائلی مانند خواست افزایش دستمزد و لغو قراردادهای موقت را نیز می‌تواند در بر گیرد. نکته دیگری که باید به‌آن اشاره کنیم، موضوع بحث‌های مرتبط با افزایش دستمزد در شرایط کنونی است. اخیراً در بحث افزایش دستمزد و رابطه میان مبارزه برای دستیابی به خواست‌های فوری با احیای حقوق سنديکایی، مانورهای حساب‌شده را از سوی دولت، کارفرمایان - و همسو با آن‌ها تشکل‌های زرد حکومتی - را شاهدیم. با آزادسازی [افزایش ناگهانی] قیمت بنزین، بحث‌ها پیرامون چگونگی محاسبه سید معیشت به‌منظور تعیین حداقل دستمزد سال آینده، جدی و جدال‌برانگیز شده‌اند. کمیته مزد شورای عالی کار و اعضای آن - که همگی‌شان از اعضای تشکل‌های به‌اصطلاح کارگری اما درواقع زرد حکومتی‌اند - پاسخگوی خواست کارگران نیست. از همین روی، مانور این شورا بر طرح‌هایی مانند "دستمزد منطقه‌ای" یا "دستمزد توافقی" و گاهی نیز "دستمزد صنفی" را شاهدیم. از آنجا که طبقه کارگر و زحمتکشان به تشکل‌های زرد حکومتی و تصمیم‌های شورای عالی کار اعتماد و اعتقادی ندارند، مانور روی چنین طرح‌هایی، آن هم در مقطع زمانی عسرت‌بار کنونی، با هدف‌هایی معین صورت می‌گیرد. نباید این سلسله اقدام‌ها را دست کم گرفت و نسبت به آن‌ها نباید هوشیاری را از دست داد. طرح دستمزد توافقی یا صنفی یا منطقه‌ای در اوضاعی که تشکل‌های مستقل و واقعی سنديکایی در معرض پیگرد ارباب‌های شورای عالی کار، یعنی رژیم، قرار دارند و حق فعالیت آزادانه و علنی ندارند و سنديکاهای مستقل نیز نماینده‌ای در این شورای عالی ندارند، تنها قدرت‌نمایی از سوی کلان‌سرمایه‌داران و توطئه‌ای برای درهم شکستن مبارزه طبقه کارگر برای دستمزد عادلانه و دستبرد به معیشت آنان معنا می‌دهد. رهبران فاسد تشکل‌های به‌اصطلاح کارگری اما درواقع زرد حکومتی در همدستی با کارفرمایان و تأمین منافع آنان و کمک به دولت برای اجرای برنامه‌های ضد کارگری، تلاش دارند مبارزه برای احیای حقوق سنديکایی و افزایش عادلانه دستمزد را به‌بیراهه کشانده و در میانه راه با ضربه طرح‌های دیگر این مبارزه را نابود سازند. ترفندهای مختلف مجموعه زرد فاسد و رژیم تماماً در جهت مقابله با جنبش رو به‌گسترش و رشد کارگری و سنديکایی است. چگونه می‌توان از تعیین دستمزد صنفی سخن به‌میان آورد و بر آن مانور داد درحالی که کارگران میهن ما از حقوق سنديکایی و داشتن سنديکا به‌منظور نگرهبانی از منافع‌شان محرومند؟ تعیین دستمزد با حضور نمایندگان

## ادامه کارزار سندیکای کارگران صنایع ...

کارگران به اقدام‌های ضد کارگری است. گرچه موضع‌گیری "ای. گ. متال" همراه با تردید بسیار است و به مشارکت اجتماعی تکیه می‌کند و منافع سرمایه را زیر سؤال نمی‌برد، اما فشار وارده از طرف کارگران پیام‌هایی دیگر در بر داشتند، مانند: "دست‌ها از نابودی مشاغل کوتاه"، "امنیت شغلی و حفظ محیط زیست، ۳۰ ساعت کار در هفته با پرداخت کامل دستمزد و پرداخت خسارت به کارکنان". کارگران تغییرات مطرح شده از سوی سرمایه‌داران را زیر علامت سؤال می‌برند و به درستی می‌گویند که "این ادعا [امتناع از ضربه به مشارکت اجتماعی] در نظام سرمایه‌داری غیرممکن است! به همین خاطر پیش به سوی مبارزه اعتصابی و انقلابی!" دو ماه پیش، شرکت تولید و فروشنده قطعات خودرو به نام "پروگرس وورک" در شهر "اوبر کیرخ"، اعلام کرد که، گروه کارفرمایان را ترک و از این طریق قرار دادهای دسته‌جمعی را هم ملغی می‌کند، علاوه بر این، قرار است کارگران تا هفته ۵ ساعت بیشتر و بدون پرداخت دستمزد بابت آن کار کنند. آن زمان تا کنون کارگران با کمک سندیکای فلزکاران برای جلوگیری از فسخ قراردادها و اخراج‌ها در تلاش هستند. خانم "اوا ماریا" نماینده کارگران با بیانی دقیق‌تر می‌گوید: "هر کسی که باد می‌کارد، توفان درو می‌کند"، فرار از تعهدها و الغای قراردادهای دسته‌جمعی اشتباهی کوچک به حساب نمی‌آید. ... نه به لغو قراردادها! ما علیه این تصمیم اعتصاب می‌کنیم!

"یورگ شوآرتز"، نماینده کارگران کارخانه در معرض تهدید تعطیل "کوتنی تک کوهرن" در شهر "اوبن وایلر" آلمان، گزارش می‌دهد که شرکت کنتی‌ننتال ۲۰ هزار نفر از کارگزارانش را که در نقاط مختلف دنیا مشغول به کار هستند به اخراج و تعطیل کردن کارخانه‌ها تهدید کرده است. فقط در آلمان ۷ هزار کارگر با خطر اخراج روبرو هستند. این نماینده کارگران می‌افزاید: "وقتی که آدم دقیق نگاه می‌کند، متوجه می‌شود که در اصل، موضوع مربوط به کسب حداکثر سود است و هیچ ربطی به تغییر و تحول و حفظ محیط زیست ندارد. این اقدامی است بسیار کثیف علیه منافع کارگران." در کارخانه بوش در شهر "فویر باخ" و "شویبرینگن"، قرار است در دو سال آینده در مجموع هزار و شصتصد کارگر اخراج شوند. "فرانک شل"، نماینده کارگران در کارخانه بوش در شهر فویر باخ، می‌گوید: "شمار ما در سال ۲۰۰۸ که بزرگ‌ترین بحران اقتصادی رخ داد این بود: با همه امکانات علیه بحران‌های سرمایه‌داری مبارزه کنیم! در آن زمان ما موفق شدیم این شعار را جا بیندازیم ولی ظاهراً شعار امروز کارفرماها این است: اخراج کارگران! من احساس می‌کنم در حال حاضر افرادی هستند که به‌راه افتاده‌اند و در تلاشند با پتک تمام دستاورد‌های ما را که سال‌ها برای آن مبارزه کرده‌ایم و به‌دست آورده‌ایم از ما بگیرند و از میان ببرند، در بین انسان‌ها ترس و وحشت ایجاد کنند، و این طور القا کنند که با این افراد و این شرایط باید کنار آمد. ما اجازه نداریم این نظرها را بپذیریم. ترس، خوراکی است برای نیروهای راست‌گرا و اوباش، به همین دلیل باید با مسئولیت تمام برای تأمین امنیت اجتماعی تلاش کنیم تا انسان‌ها در تله‌ای که بر سر راهشان قرار داده شده‌است نیفتند و به دره فقر پرتاب نشوند."

این تجمع اعتراضی باید همچون آغاز مبارزه‌ای ضروری در برابر هجوم سرمایه‌داری دانسته شود. باید به این مبارزه مشترک ادامه داد، در صورت ضرورت با استفاده از قوی‌ترین سلاح‌مان یعنی اعتصاب، بر ضد اخراج‌ها و نابودی شغل و بر علیه منطق سودورزی به‌مبارزه ادامه خواهیم داد.

۸ آذر ماه ۱۳۹۸، نویسنده: "کریستا هورانی".

## ادامه کارگران صنعت غذایی کانادا: سازمان دهی ...

تلاش کارفرما در این مورد، ادامه مبارزه برای امر سازمان‌دهی است. این دو می‌گویند: "ما در تلاشیم ساختار سندیکا بر اساس سازمان محلی باشد، بدون در نظر گرفتن اینکه پاسخ سازمان روابط کارگر و کارفرمای استان چه باشد." با هر فرد تازه استخدام شده‌ای تماس برقرار کرده و به او گفته می‌شود می‌تواند به عضویت سندیکا درآید. سندیکا برای ادامه امر سازمان‌دهی یک شبکه ارتباطی به‌وسیله اعضای خود به‌راه انداخته است. مک کوچین مسئله سازمان‌دهی را فقط از طریق مبارزات حل‌شدنی می‌داند. "اداره کار استان هرگز حقوق کارگر را نخواهد داد ما باید آن را بگیریم." مبارزه متحد کارگران صنعت غذایی، برای تأمین معیشت و امنیت شغلی کارگران آینده روشنی را نوید می‌دهد.

برگرفته از: سایت حزب کمونیست کانادا، روزنامه صدای مردم، ۸ آذر ماه ۱۳۹۸.

## ادامه سهم دستمزد ...

مستقیم و غیرمستقیم در مورد ادعای بالا بودن سهم دستمزد در تولید یار و یاور کارفرمایان بوده است. وزیر کار، چندی پیش، ضمن اشاره به جلسه‌های شورای عالی کار و محاسبه‌های کمیته دستمزد، یادآور شده بود که امسال در تعیین حداقل دستمزد و سهم دستمزد در تولید کالاها باید به دغدغه کارفرمایان توجه کرد! به‌رغم چنین تبلیغات پر سروصدایی، واقعیت امر این است که در هزینه‌های تولید و به‌طورکلی در قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات عمومی در کشور ما، سهم دستمزد بسیار پایین است. خیرگزاری ایسنا در اواسط آذرماه امسال در گزارشی با اشاره به تأکید کارفرمایان در سهم بالای مزد در هزینه‌های تولید، این پافشاری را ناموجه خوانده و از جمله نوشته بود: "اگر به‌صورت تخصصی نگاه کنیم، سهم دستمزد در بسیاری از بنگاه‌های تولیدی کشور درصد پایینی از هزینه‌هاست و با میانگین هزینه واحدهای تولیدی در کشورهای صنعتی و درحال توسعه هم انطباق و همخوانی ندارد. ... حال ببینیم آمارها و برآوردهای رسمی منتشر شده پیرامون سهم دستمزد در هزینه‌های تولید چه می‌گویند؟ ایسنا در اوایل بهمن‌ماه امسال سخنان یکی از اعضای کمیته دستمزد شورای عالی کار را منتشر کرد. در این گزارش به آمارهای رسمی دوایر جمهوری اسلامی استناد شده و از جمله آمده است: "از مواردی که در کارگروه تخصصی مزد محاسبه می‌شود بر طبق اطلاعاتی که از گذشته وجود دارد، سهم دستمزد کارگر از هزینه تمام‌شده کالا و خدمات، به‌طور میانگین ۵ درصد شد، درحالی که این رقم در سال ۸۴ حدود ۱۷ درصد بود و این مشخص است که دستمزد کارگر به‌اندازه سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار رشد نکرده و مزد کارگر سرکوب شده است." به‌این ترتیب، با استناد به‌این آمار رسمی، سهم دستمزد در هزینه‌های تولید اکنون به‌طور میانگین ۵ درصد است. این آمار این نکته را نیز ثابت می‌کند که نیروی کار در کشور ما بسیار ارزان است.

بزرگنمایی کردن تعدی سهم دستمزد در هزینه‌های تولید صرفاً تبلیغات گمراه‌کننده نولیبرال‌های وطنی است، نولیبرال‌های نوکیسه‌ای که با ریاکاری تمام در پی اجرای برنامه آزادسازی دستمزد هستند. امسال بر اساس لایحه بودجه ۹۹، اجرای سیاست تعدیل ساختاری شتاب بیشتری پیدا می‌کند و برنامه آزادسازی دستمزد در اولویت‌های دولت و رژیم قرار خواهد گرفت. طرح‌هایی مانند دستمزد منطقه‌ای و دستمزد توافقی همراه با بزرگنمایی سهم مزد در هزینه‌های تولید، ترفندهایی‌اند که از سوی کلان‌سرمایه‌داران همراه با حمایت رژیم به‌منظور تدارک زمینه لازم در مسیر آزادسازی دستمزد به‌کار زده می‌شوند. باید با هوشیاری این توطئه را افشا و برای ناکام گذاردن آن کمر همت بست.

## ادامه سخنی درباره ضرورت تلفیق مبارزه ...

واقعی طبقه کارگر و سندیکاهای مستقل‌شان و اجرایی کردن پیمان دسته‌جمعی از خواست‌های طبقه کارگر ایران است. بدون مبارزه پیگیرانه برای احیای حقوق سندیکایی خواست‌های طبقه کارگر دست‌یافتنی نیستند. مبارزه پیگیرانه برای احیای حقوق سندیکایی هم بی‌تردید با پیکار علیه دیکتاتوری رابطه تنگاتنگ دارد. هیچ تشکلی نمی‌تواند جایگزین سازمان سندیکایی در امر دفاع از حقوق صنفی کارگران و زحمتکش‌شان باشد. هیچ‌یک از نهادهای ساخته و پرداخته رژیم مانند خانه کارگر، کانون عالی انجمن‌های صنفی، کانون عالی شوراهای اسلامی کار، مجمع نمایندگان کارگری و نظایر آن‌ها تشکل‌های واقعی سندیکایی با ماهیت طبقاتی نیستند. این تشکل‌ها بنا بر ماهیت و عملکردشان، خدمتگزار منافع کلان‌سرمایه‌داران و دیکتاتوری حاکم بوده و هستند.

## کوتاه سخن؛

جنبش کارگری و سندیکایی در بطن تحول‌های سیاسی رشد و قوام می‌یابد، از این تحول‌ها تأثیر می‌گیرد و متقابلاً بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد! جنبش سندیکایی حاضر و اساساً مبارزه سندیکایی، بر بستر واقعیت و به‌طور عینی جریان دارد و در صحنه سیاسی جانبداری‌های طبقاتی‌اند و موجودیتش را در صف پیکار با دیکتاتوری حاکم، بر ضد تحریم، و بر ضد مداخله امپریالیسم تعریف می‌کند. جنبش کارگری مهین ما منادی اتحادعمل همه گردان‌های جنبش برضد استبداد مذهبی و برای طرد رژیم ولایت فقیه است.





از این طریق بتوانند هزینه‌های جانبی فعالیت شغلی‌شان را پوشش دهند. ولی واقعیت امر اینست که آنان به شرکت وابسته‌اند و بنابراین نمی‌توانند وضعیت شغلی‌شان از جمله دستمزدها را تغییر دهند. با تمام این بدرفتاری‌ها، کارکنان این صنعت درباره تشکیل سندیکا شروع به بحث کردند.

### سازمان‌دهی نرم‌افزاری برای مشاغل نرم‌افزاری

در نبود یک محل کار فیزیکی مشخص، مردم با روش‌های دیگری دورهم جمع می‌شوند. جالب است که کارکنان مشاغل بر اساس اپلیکیشن‌ها توانسته‌اند از راه همین روش نرم‌افزاری این کار را انجام دهند. بنا به گفته توماس مک‌کوچین، یکی از غذا رسان‌های شرکت فودورا و از نخستین نفرهای فعال در ایجاد تشکیک، می‌گوید: "اقدام اولیه از فضای مجازی شروع شد." در پی ارتباطات دنیای مجازی و راه انداختن برنامه‌های اجتماعی‌ای مانند رقابت دوچرخه‌سواری و پیک‌ها در پارکی در تورنتو، گروه‌هایی از هسته مرکزی این پیک‌ها در تابستان ۲۰۱۸ در پارک‌های تورنتو در مورد شرایط سخت کار شروع به بحث کردند. او می‌گوید: "به این پیک‌ها فراخوان‌های زیادی داده شده بود، ولی این یکی کاملاً متفاوت بود زیرا ما درباره اینکه چه سازمان‌دهی‌ای لازم است به‌همین تا شرایط را تغییر دهیم بحث و بلافاصله شروع به جمع‌آوری امضا به‌منظور تشکیل سندیکا کردیم."

### سندیکای کارگران مواد غذایی زاده شد

بعد از موفقیت کمی که از سندیکای اول داشتیم، که خود تلاش و نیروی زیادی برد، به اتحادیه کارکنان پست (سی-یو-بی - دبلیو) مراجعه کردیم که این اتحادیه بلافاصله لیسا شوفیلد را برای سازمان‌دهی و کمک به ما معرفی کرد. مک‌کوچین می‌گوید که این برای مقصد ما نقطه عطفی بود: "با راهنمایی و منابع عظیم اتحادیه کارکنان پست، گام‌هایی بزرگ برای تشکیک برداشتیم."

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات سازمان‌دهی، پراکندگی وسیع و انفرادی بودن کارکنان عرصه بسته‌رسانی بوده است. فعالان سندیکایی در زمینه این موضوع‌ها کارگاه‌هایی آموزشی و کلاس‌های سندیکایی برای پیک‌های گذارسان ترتیب دادند. و این به‌نفع پیک‌های دوچرخه سوار بود. به‌طورمثال، کارکنان پیک‌های تحویل غذا "چگونه برگه مالیاتی خود را آماده کنند یا چگونه دوچرخه‌شان را تعمیر کنند، برای زمستان چه نوع لباسی انتخاب کنند، چگونه در دادگاه‌ها برای جریمه پارکینگ اقامه دعوا کنند. همه این‌ها به‌طور استراتژیک ارتباط‌هایی مفید بودند، اما همچنین بهبود ایمنی و شرایط محیط کاری هم جزو این برنامه راهبردی ما بود."

یکی از امتیازهای این نحوه کار، فعال کردن تعداد زیادی از کارگران در امر سازمان‌دهی است. در قیاس با امر سازمان‌دهی در محیط کارهای معمولی، تعداد زیادی از کارکنان غذا رسان برخوردی منفی با امر سازمان‌دهی دارند. شوفیلد می‌گوید: "در این تلاش‌ها به‌کمک هزاران نفر نیاز داشتیم." با حمایت و منابع اتحادیه کارکنان پست، پیک‌های غذا رسان کارزارها را با روش آزمون و خطا و اصلاح خطا، تا پایان کار ادامه دادند. بر اساس همین استراتژی، آنان پیشرفتی اساسی کردند. مک کوچین اعلام می‌کند که "ما در پایان سال ۲۰۱۸ با اتحادیه کارکنان پست کار را شروع کردیم" و حالا در همین تابستان صدها پیک وارد صف مبارزه شده‌اند.

### ادامه سازمان‌دهی در ساختارهای سازمان‌های محلی

هم‌اکنون درخواست صدور گواهینامه برای تشکیل سندیکا به روابط عمومی سازمان کارگری استان انتاریو ارسال شده، محلی که شرکت فودورا حق سازمان‌دهی پیک‌ها را به‌مشاخره و انکار کشانده است. محیط کاری شرکت فودورا گردش مالی‌ای نسبتاً بالایی دارد، بنابراین کارفرمای این شرکت علاوه بر اینکه این حرکت را می‌خواهد ناپود کند می‌خواهد صدور گواهینامه برای سندیکا را قبل از اینکه عده بیشتری پیک به آن بپیوندند، در روند مرحله بررسی متوقفش کنند.

بنا به‌گفته مک کوچین و شوفیلد، پاسخ اساسی به **ادامه در صفحه ۳**

## کارگران صنعت غذایی کانادا: سازمان‌دهی مبارزه علیه شرکت‌های قدرتمند و کارفرمایان زورگو



مشاغل موقت و پرخطر رهاورد همیشگی سیستم سرمایه‌داری بوده است. در قرن ۱۶ در انگلستان، سیستم سرمایه‌داری کشاورزان کوچک را وادار می‌کرد تا برای یافتن شغل و به‌عنوان کارگر روزمزد به حاشیه شهرها مهاجرت کنند. ریچارد پرایس، فیلسوف انگلیسی قرن ۱۸، در مورد این طبقه جدید می‌نویسد: "صاحبان زمین‌های کوچک، به کارگران روزمزد و اجیر تنزل پیدا کردند، و هم‌زمان شرایط زیستی‌شان در مزارع نیز سخت‌تر گردید."

پیشرفت‌های اقتصادی و فن‌آوری‌های نوین به چهره کار را تغییرهایی شگرف داده است. مشاغل موقت و خطرناک به‌سرعت رشد کرده، همانند دوره‌های قبل، اکنون یکی از مشخصه‌های غالب بخش‌های اقتصادی و لایه‌بندی طبقه کارگر است. تغییرهای اقتصادی و گسترش کارایی‌های نرم‌افزاری، گسترش مشاغل موقت و فصلی را باعث گردیده است. این تغییرها و دیگر دشواری‌ها، مشکلاتی بر سر راه تشکیک‌یابی و مبارزات مشترک کارگران ایجاد می‌کند. در تورنتو، تشکیک‌یابی کارگران پیک‌های غذا رسان به‌طور هم‌زمان مورد توجه شرکت‌ها و کارگران قرار گرفته است. این حرکت نویدبخش کارگران پاسخی است جسورانه در جهت مقابله با بی‌عدالتی‌های شرکت‌های قدرتمند. کارگران پیک‌های غذا رسان از سوی شرکت عظیم و بین‌المللی فودورا استخدام شده‌اند. این شرکت به‌خود می‌بالد که در ۱۵ کشور و نزدیک به ۳۰۰ شهر با قرارداد غذا رسانی به مشتری‌های ۳۶ هزار رستوران فعالیت می‌کند. همچنین مدعی است که بیش از ۲۲ هزار پیک غذا رسان دوچرخه‌سوار برای مشتری‌های این شرکت گذارسانی می‌کنند. مدل تجارتي فودورا بر اساس برنامه‌های دیجیتالی (اپلیکیشن) است که مشتری‌ها، غذاخوری‌ها، و پیک‌های گذارسان برای ایجاد ارتباط با یکدیگر از آن استفاده می‌کنند. شرکت فودورا گذارسان‌ها را نه در مقام کارمند استخدامی، بلکه در مقام پیمانکاران منفرد در نظر گرفته است تا از پرداخت بیمه بیکاری و دیگر مزایا که بیمه جبران خسارت استان انتاریو (دبیلو-سی-ای-بی) را شامل می‌شود، طفره برد. این مشاغل موقت و استخدام‌های بر اساس برنامه‌های نرم‌افزاری، روابط کارگری مورد انتظار را کاملاً زیرورو می‌کند. عملاً تمامی خطرهای ناشی از انعطاف‌پذیری در ساعت‌های کاری-که این نوع شغل‌ها ذاتاً به آن مبتلا هستند- نامشخص بودن ساعت‌های کاری و میزان دستمزد، نبود مقررات ایمنی و آموزش کافی را شامل می‌شود. کارکنان این‌گونه مشاغل وسایل رفت‌وآمد خود، یعنی ابزار کارشان، را خودشان باید تأمین کنند که غالباً از دوچرخه و بعضی‌ها هم از ماشین استفاده می‌کنند. آنان باید هزینه تعمیرات، بیمه، سوخت، و جریمه‌های احتمالی را هم خودشان پرداخت کنند. فودورا مدعی است که میانگین پرداختی مزد ساعتی در تورنتو ۲۱ دلار است، ولی در واقع ۴/۵ دلار برای هر تحویل غذا و ۱ دلار برای هر کیلومتر مسیر رفت تحویل غذا پرداخت می‌کند و خبری هم از مزایای بیمه درمانی و بازنشستگی نیست، به‌ویژه که در این نوع کار آسیب‌های جسمانی بسیار متداول است. اگر پیک‌های تحویل غذا بنا بر ادعای شرکت فودورا واقعاً پیمانکارهایی منفرد دانسته می‌شوند در این صورت آنان اصولاً باید بتوانند نرخ کارشان را افزایش و

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۲۹

Nameh Mardom - Workers Supplement No. 29

3 February 2020

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

